

بررسی تفاوت بین خودپنداره تحصیلی و سبک های اسنادی در دانش آموزان دارای اختلال خواندن و نوشتن و دانش آموزان عادی

فاطمه اخوی زادگان^{۱*}، سحر شهری^۲

(۱) گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران

(۲) کارشناس ارشد، رشته ی روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن.

*نویسنده مسوول: akhavaizadegan63@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۰/۱۲/۱۵ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۱/۲/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله ۹۱/۴/۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تفاوت بین خودپنداره و سبک های اسنادی در دانش آموزان دارای اختلال خواندن و نوشتن و دانش آموزان عادی می باشد. روش پژوهش از نوع علی- مقایسه ای بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع دبستان دارای اختلال خواندن و نوشتن و افراد عادی شهر تهران بود. نمونه مورد پژوهش شامل ۶۰ دانش آموز (۳۰ دانش آموز با اختلال یادگیری و ۳۰ دانش آموز عادی) بود که با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. از شرکت کنندگان خواسته شد که پرسشنامه سبک های اسنادی (ASQ) و مقیاس خودپنداره بک را تکمیل کنند. نتایج تحلیل واریانس چند متغیره نشان داد که دانش آموزان مبتلا به اختلال خواندن و نوشتن، در اسناد درونی- بیرونی، اسناد کلی- اختصاصی و خودپنداره تحصیلی با دانش آموزان عادی تفاوت معناداری دارند ($P > 0.01$)، نتایج پژوهش نشان داد که دانش آموزان دارای اختلال خواندن و نوشتن نسبت به دانش آموزان عادی در مؤلفه های اسناد درونی- بیرونی، موقت/ پایدار و اسناد کلی- اختصاصی نمرات کمتری دارند. به این صورت که این دانش آموزان سبک اسناد بدبینانه تری نسبت به دانش آموزان عادی دارند.

کلید واژگان: سبک های اسنادی، خودپنداره، اختلال خواندن و نوشتن

مقدمه

نوشتن یک اختلال حقیقی نیست و بیشتر ضعیف اختصاصی را در روشهای گوناگون نوشتن نشان می دهد (فلانگان و آلفونسو، ۲۰۱۱). طبق تعریف فدراسیون جهانی عصب شناسی^۶ (۱۹۶۸)، کودکان دارای ناتوانایی نوشتن کسانی هستند که به رغم برخورداری از آموزش متداول در دستیابی به مهارت های خواندن، نوشتن و هجی کردن در حد متناسب با توانایی های عقلی شان با شکست مواجه می شوند (رجبی، ۱۳۹۰). راونگپرایوان، روانگداراگانون، ویزودیفان و سانتیکول^۷ (۲۰۰۲)، نشان دادند که ۶۳ درصد کودکان مقطع ابتدایی دارای ناتوانایی

ناتوانایی های یادگیری^۱ اختلالاتی را در بر میگیرد که با مشکلات خاص در کسب و استفاده از مهارت های گوش دادن، صحبت کردن، خواندن، نوشتن، استدلال کردن، همراه می باشند (گراسمن^۲، ۲۰۱۰). مهمترین ناتوانی های ویژه یادگیری عبارت اند از: ناتوانایی نوشتن^۳، خواندن^۴، استدلال کردن است. ناتوانی نوشتن برای کودکانی که کار می رود که علیرغم هوش طبیعی بسیار بد می نویسند، معمولاً آئینه نویسی یا وارونه نویسی دارند (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۲). تعریف دیگری نشان می دهد که ناتوانی

5 . Flanagan & Alfonso

6 . word federation of neurology

7 . Roongpraiwan, Ruangdaraganon , Visudhiphan & Santikul

1 . learning disabilities

2 .Grassman

3 .Dysgraphia

4 .dyslexia

خواندن هستند و تقریباً ۱۲/۶ درصد مشکوک به ناتوانایی یادگیری. سیگل^۱ (۲۰۰۶)، نشان داد که ۵ تا ۱۰ درصد جمعیت عمومی دارای ناتوانایی خواندن هستند. همچنین آنها نشان دادند که نسبت پسر به دختر در ناتوانایی خواندن ۳/۴ به ۱ است. ماسکاسال، پاتیل، پاتیل و ماسکاسال^۲ (۲۰۱۲)، نشان دادند که شیوع ناتوانی های ویژه یادگیری ۱۵/۱۷ درصد در کودکان است و ۱۲/۵، ۱۱/۲ و ۱۰/۵ درصد از آنان به ترتیب دارای ناتوانی های نوشتن، خواندن و ریاضی هستند. در تحقیقات ایرانی نیز یآوری و پاشاپور (۱۳۷۹)، نشان دادند که شیوع ناتوانایی خواندن ۳/۲ درصد است. از جمله عوامل روانشناختی که این کودکان را می تواند در برابر آسیب ها حفظ کند یا در آنها مختل باشد، سبکهای اسنادی^۳ میباشد. اسناد چگونگی تبیینات و توجیحات برای درک موفقیت و شکست است. سبک اسناد شیوه های است که افراد پیامدهای مثبت و منفی یا موفقیت و شکست زندگی خود را تبیین می کنند. سبک اسناد شیوه ای است که به وسیله آن تلاش می کنیم علل پایدار و زیربنایی رفتار دیگران و دلایلی که افراد به شیوههای معین عمل می کنند، درک کنیم (مهدی زاده، ابوالقاسمی و نریمانی، ۲۰۱۴). اسناد شامل دو نوع سبک تبیین خوشبینانه و سبک تبیین بدبینانه است. پترسون و همکاران (به نقل از اشکانی و حیدری، ۲۰۱۴)، معتقدند که سبکهای اسنادی دو نوع رویداد را در برمیگیرند: الف) رویدادهای مثبت و ب) رویدادهای منفی. هر کدام از این مؤلفه ها نیز سه مؤلفه دارند. اسناد درونی- بیرونی، اسناد پایدار- ناپایدار و اسناد کلی- جزئی. اسناد درونی- بیرونی عبارت است از نسبت دادن علل موفقیت و شکست به عوامل درون شخص، در مقابل نسبت دادن آن به عوامل خارج از شخص، محیط یا موقعیت. اسناد پایدار- ناپایدار شامل نسبت دادن علل موفقیت و شکست به عوامل پایدار و همیشگی، در مقابل علل کوتاه مدت و ناپایدار است. همچنین، اسناد کلی- جزئی به نسبت دادن علل موفقیت

و شکست به تمام موقعیت ها در برابر نسبت دادن آن به یک موقعیت خاص مربوط است (واینر^۴، ۲۰۰۵). دانش آموزان با نگرش خوشبینانه معتقدند یک پیامد تحصیلی دست یافتنی است، چراکه آنها مطمئن هستند آن پیامد مثبت قابل دستیابی خواهد بود و در نتیجه این نگرش خوشبینانه، عملکرد تحصیلی بهتری دارند (عیسی زادگان، میکائیلی منیع و مروئی میلان، ۲۰۱۴). در همین راستا یونگ^۵ (۲۰۰۴)، (به نقل از اشکانی و حیدری، ۲۰۱۴) به بررسی سبک های اسنادی، خودپنداره و افسردگی کودکان ناتوان در یادگیری ۹ تا ۱۱ ساله هنگ کونگی پرداخت. نتایج نشان داد که کودکان ناتوان در یادگیری رویدادهای منفی را به عوامل درونی، کلی و پایدار نسبت میدهند، خودپنداره پایتتر و استرس و اضطراب بیشتری دارند و بعد از رویدادهای استرس زا، علایم افسردگی بیشتری از خود نشان می دهند. پژوهش ها نشان داده اند که دانش آموزان با ناتوانیهای یادگیری در مقایسه با همسالان عادی خود موفقیت ها و شکست هایشان را به میزان بالاتری به عوامل بیرونی نسبت می دهند. این دانش آموزان، موفقیتهای خود را با احتمال کمتری به توانایی و عوامل درونی، قابل کنترل و پایدار نسبت میدهند و بیشتر به شانس یا عوامل بیرونی، غیرقابل کنترل و ناپایدار نسبت می دهند. مطالعات جعفری، سلیمانی و اسماعیلی (۲۰۱۱)، نریمانی، سلیمانی و ابوالقاسمی (۲۰۱۲) و نریمانی، سلیمانی و احدی (۲۰۱۰) حاکی از آن است که سبک اسنادی در دانش آموزان نابینا و بینا تفاوت معناداری دارد، بطوریکه سبک اسنادی دانش آموزان نابینا بیشتر به صورت بیرونی، پایدار و کلی و سبک تفکر آنها بیشتر به صورت درونی است. دیگر متغیر مورد مطالعه در این پژوهش که میتواند این کودکان را از آسیب های روانشناختی حفظ کند و در عین حال ممکن است در آنها مختل شود، خودپنداره است. خودپنداره^۶، دید کلی فرد درباره ی خودش است که با تجربه ی وی و تفسیر دیگران از آن

4 . Weiner
5 .Young
6 . self-concept

1 . Siegel
2 . Mogasale, Patil, Patil & Mogasale
3 . attributional style

سوال است که آیا بین خودپنداره تحصیلی و سبک های اسنادی در دانش آموزان دارای اختلال خواندن و نوشتن و دانش آموزان عادی تفاوت وجود دارد؟

روش

طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه ای بود. جامعه، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری پژوهش شامل کلیه ی دانش آموزان دختر مقطع ابتدایی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ بود. نمونه آماری این پژوهش ۶۰ نفر دانش آموز مقطع ابتدایی بودند که از این تعداد ۳۰ نفر دانش آموز با اختلال یادگیری از بین دانش آموزان تحت درمان مراکز آموزش و توانبخشی دانش آموزان دچار ناتوانی یادگیری و ۳۰ نفر دانش آموز عادی که از لحاظ سن و پایه ی تحصیلی با گروه دانش آموزان با ناتوانی یادگیری همتا شده بودند، با روش تصادفی خوشه ای انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده ها

پرسشنامه سبک اسنادی: این پرسشنامه یک ابزار خود گزارش دهی است و نخستین بار برای اندازه گیری اسنادهای افراد برای رویدادهای غیرقابل کنترل توسط پیترسون و سلیگمن (۱۹۸۴) ساخته شد. پرسشنامه سبک اسنادی در برگرفته دوازده موقعیت فرضی (شش رویداد خوب و شش رویداد بد) است. برای هر رویداد چهار پرسش مطرح شده است. این موارد شامل درونی-بیرونی، پایدار-ناپایدار و کلی-جزئی رویداد می باشد. نمره هارا می توان برای هر یک از سه بعد یاد شده در نظر گرفت، برای نمونه بعد درونی- بیرونی از مجموع نمره های پرسش اول به دست می آید. بریدجس^۷ (۲۰۰۱)، برای پرسشنامه سبک اسنادی ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۰ گزارش نموده است. اسلامی

تجربه شکل میگیرد و متحول میشود (کدیور، ۱۳۸۴). یکی از ابعاد خودپنداره، خودپنداره ی تحصیلی است که به بازنمایی های ذهنی توانایی های فرد در مدرسه و محیط های تحصیلی و یا بازنمایی های مرتبط با پیشرفت تحصیلی اشاره دارد (براکن^۱، ۲۰۰۹؛ برونر، کلر، دایرندانک، ریچرت، اوگان، فیشباخ و مارتین^۲، ۲۰۱۰). به عبارت دیگر، خودپنداره ی تحصیلی به خودارزیابی یک فرد در مورد قلمرو و تواناییهای ویژه تحصیلی اشاره دارد (تراوتوین، لوتکه، مارش، کولر و باومرت^۳، ۲۰۰۶). تحقیقات نشان می دهد که کودکان دارای ناتوانایی یادگیری نسبت به افرادی که ناتوانایی یادگیری ندارند، خودپنداره ی عمومی و تحصیلی پایینتری دارند (استرین^۴، ۲۰۰۶). گانز، کنی و گانی^۵ (۲۰۰۳)، نشان دادند که دانش آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری خودپنداره ی تحصیلی پایینتری نسبت به دانش آموزان بدون ناتوانایی یادگیری دارند؛ اما در خودپنداره ی عمومی بین آنها تفاوت وجود ندارد. مارگالیت و زاک^۶ (۱۹۸۴)، در تحقیق خود نشان دادند که دانش آموزان دارای ناتوانایی های یادگیری دارای اضطراب بالا و خودپنداره ی پایین هستند.

دانش آموزان دارای ناتوانایی های یادگیری دارای مشکلاتی در سبک های اسنادی و خودپنداره هستند. بنابراین پرداختن به این متغیرها در دانش آموزان ابتدایی دارای ناتوانایی یادگیری می تواند نقش مهمی در توجه اساسی به انجام پژوهش های مختلف در این زمینه داشته باشد و موجب تشویق پژوهشگران جهت انجام تحقیقات در دانش آموزان دارای اختلال یادگیری مخصوصاً در دوره ی ابتدایی شود. انگیزش تحصیلی (خواندن، نوشتن) پایین یکی از مشکلاتی است که دانش آموزان دارای ناتوانایی یادگیری با آن روبرو هستند و یکی از عوامل مرتبط این مشکل، خودپنداره و سبک اسنادی دانش آموزان است. با توجه به مطالب گفته شده، این مقاله درصدد بررسی این

4 . Strein

5 . Gans, Kenny and Ghany

6 .Margalit & Zak

7 . Bridges

1 . Bracken

2 . Brunner, Keller, Dierendonck, Reichert, Ugen, Fischbach & Martin

3 . Trautwein, Lüdtke, Marsh, Köller & Baumert

همچنین پایایی بازآزمایی کل مقیاس در فاصله ی دو ماه برابر با ۰/۵۸۵ به دست آمد و پایایی دو نیمه سازی آن در بار اول برابر با ۰/۶۲ بود.

روند اجرا

پس از مشخص نمودن نمونه ی پژوهش، پژوهشگر با اخذ نامه به عنوان مجوز انجام طرح از دانشگاه به مرکز ناتوانایی های یادگیری شهر تهران مراجعه نمود. پس از تعیین شدن دانش آموزانی که قادر به پاسخگویی به پرسشنامه های پژوهش بودند (یعنی دانش آموزان پایه ی چهارم، پنجم و ششم)، آنان با رضایت کامل و به مدت ۲۰ دقیقه سؤالات پرسشنامه را تکمیل نمودند. دانش آموزان عادی نیز در همین پایه ها و در مدارس به پرسشنامه ها پاسخ دادند. پس از جمع آوری پرسشنامه ها، پرسشنامه های پژوهش با نرم افزار SPSS ۲۰ و با استفاده از تحلیل واریانس چند متغیری و ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیری استفاده شد.

نتایج مشخصه های آماری آزمودنی ها بر حسب نمره های متغیر سبک های اسنادی و خودپنداره تحصیلی به تفکیک در مورد دانش آموزان دارای ناتوانی یادگیری و عادی در جدول ۱، ارائه شده است.

شهر بابکی (۱۹۹۰) طی پژوهشی ضریب آلفای کرونباخ آن را برای موقعیت شکست درونی ۰/۷۵، موقعیت شکست پایدار ۰/۴۳، موقعیت شکست کلی ۰/۷۳ و در موقعیت موفقیت درونی ۰/۷۴، موقعیت موفقیت پایدار ۰/۵۶ و موقعیت موفقیت کلی ۰/۷۶ به دست آورد. همچنین سلیمانی نژاد (۲۰۰۲)؛ به نقل از اشکانی و حیدری، (۲۰۱۴)، آلفای کرونباخ برای کل پرسش های پرسشنامه را ۰/۷۴ گزارش کرد.

مقیاس خودپنداره تحصیلی: این مقیاس توسط بارنت گویه است. هر فرد به هر کدام از گویه های آن بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت از هرگز (۱) تا همیشه (۵) پاسخ می دهد. این مقیاس دارای ابعاد عزت نفس شناختی، عزت نفس عاطفی، خودپنداری ظاهر فیزیکی، خواندن، ریاضی، روابط با والدین، توانایی فیزیکی، عملکرد مدرسه، لذت از مدرسه و رابطه با همسالان است. در پژوهش بارنت (۱۹۹۴) همسانی درونی سؤالات از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ به دست آمد. همچنین بین ابعاد خودپنداره با عزت نفس رابطه ی مثبت معنی دار به دست آمد. در پژوهش حاضر قبل از اجرای پرسشنامه ها اعتبار و پایایی این مقیاس در دو کلاس از دانش آموزان ابتدایی (۵۹ نفر) به دست آمد که نتایج نشان داد ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر با ۰/۷۹ بدست آمد.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد مطالعه در دانش آموزان با اختلال یادگیری و عادی

دانش آموزان عادی		دانش آموزان با اختلال یادگیری		متغیرها
SD	M	SD	M	
۳/۶۰	۳۳/۳۸	۴/۸۰	۲۹/۳۰	اسناد درونی- بیرونی
۶/۸۷	۳۶/۳۹	۵/۳۰	۳۰/۶۰	اسناد موقت- پایدار
۴/۲۰	۳۳/۷۰	۴/۶۵	۲۵/۲۸	اسناد اختصاصی- کلی
۵/۴۸	۷۰/۸۹	۸/۸۰	۴۰/۷۴	خودپنداره تحصیلی

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس برای مقایسه آزمودنیها بر حسب نمره های سبک های

متغیرها	MS	F	P
اسناد درونی- بیرونی	۲۷/۶۵	۱۵/۲۵	۰/۰۰۱
اسناد موقت- پایدار	۸/۹۰	۱۲/۵۰	۰/۰۰۱
اسناد اختصاصی- کلی	۱۸/۸۷	۱۴/۹۰	۰/۰۰۱
خودپنداره تحصیلی	۳۶/۴۷	۳۵/۴۸	۰/۰۰۱

یادگیری و عادی در مؤلفه های اسناد درونی- بیرونی ۱۵/۲۵، اسناد موقت- پایدار ۱۲/۵۰، اسناد اختصاصی- کلی ۱۴/۹۰، خودپنداره تحصیلی ۳۵/۴۸ تفاوت معنادار وجود دارد.

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه میشود میانگین نمرات اسناد درونی/ بیرونی، اسناد موقت/ پایدار، اسناد کلی/ اختصاصی و خودپنداره تحصیلی دانش آموزان با اختلال یادگیری از دانش آموزان عادی پائین تر می باشد و این تفاوت معنادار است.

همانطور که مشاهده می شود، میانگین نمرات دانش آموزان با اختلال یادگیری در اسناد درونی و بیرونی ۳۰/۲۹، در اسناد موقت- پایدار ۳۰/۶۰، در اسناد اختصاصی- کلی ۲۵/۲۸ و در خودپنداره تحصیلی ۴۰/۷۴ است. همچنین میانگین نمرات دانش آموزان عادی در اسناد درونی- بیرونی ۳۳/۳۸، اسناد موقت- پایدار ۳۶/۳۹، اسناد اختصاصی- کلی ۳۳/۷۰، خودپنداره تحصیلی ۷۰/۸۹ است. نتایج آزمون لامبدای ویلکز در تحلیل واریانس چند متغیری (مانوا) نشان می دهد که بین دو گروه دانش آموزان با اختلال یادگیری و عادی تفاوت معناداری وجود دارد. مطابق با جدول ۲، خلاصه نتایج تحلیل واریانس چندگانه نشان میدهد که بین میانگین نمرات دانش آموزان با اختلال

جدول ۳. مقایسه ی میانگین نمرات سبک های اسناد و خودپنداره تحصیلی دانش آموزان با اختلال یادگیری و عادی با آزمون توکی

متغیرها	گروه	۱	۲
اسناد درونی- بیرونی	۱. دانش آموزان دارای اختلال یادگیری	-	*۴/۵۸
	۲. دانش آموزان عادی	*۴/۵۸	-
اسناد موقت- پایدار	۱. دانش آموزان دارای اختلال یادگیری	-	*۴/۳۸
	۲. دانش آموزان عادی	*۴/۳۸	-
اسناد اختصاصی- کلی	۱. دانش آموزان دارای اختلال یادگیری	-	*۳/۵۸
	۲. دانش آموزان عادی	*۳/۵۸	-
خودپنداره تحصیلی	۱. دانش آموزان دارای اختلال یادگیری	-	*۱۲/۵۸
	۲. دانش آموزان عادی	*۱۲/۵۸	-

جدول ۴. ضرایب همبستگی بین سبک های اسنادی و خودپنداره تحصیلی

متغیرها	اسناد درونی- بیرونی	اسناد موقت- پایدار	اسناد اختصاصی- کلی	خودپنداره تحصیلی
اسناد درونی- بیرونی	۱	-	-	-
اسناد موقت- پایدار	**۰/۳۴۵	۱	-	-
اسناد اختصاصی- کلی	**۰/۳۵۷	**۰/۴۲۸	۱	-
خودپنداره تحصیلی	**۰/۴۷۸	**۰/۴۵۸	**۰/۴۴۷	۱

جدول ۵: نتایج مربوط به ضرایب تعیین و ضرایب رگرسیون

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	R	R ²	SD	B	Beta	t	P
خودپنداره تحصیلی	اسناد درونی- بیرونی	۰/۴۱۵	۰/۲۱۹	۰/۱۸۹	۱/۱۲۰	۰/۴۲۰	۶/۲۸	۰/۰۰۱
	اسناد موقت- پایدار	۰/۴۲۶	۰/۲۳۵	۰/۱۷۷	۰/۷۴۰	۰/۳۶۹	۵/۴۱	۰/۰۰۱
	اسناد اختصاصی- کلی	۰/۴۴۸	۰/۲۴۷	۰/۱۹۹	۰/۸۴۲	۰/۳۲۲	۵/۱۰	۰/۰۰۱

کمتری دارند. این افراد تصور میکنند که افراد عادی دارای عملکرد به مراتب بهتری از آنها هستند و این امر بر خودپنداره و نهایتاً سبک های اسنادی آنها تأثیر منفی دارد. سبک اسناد شیوه ای است که فرد بر پایه سه بعد درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی-اختصاصی به رویدادهای خوب و بد مینگرد. مطالعات نشان می دهند، افرادی که وقایع ناگوار را بیشتر پایدار و درونی و کلی تفسیر می کنند به طور معنی دار، بیش از آنهایی که دلایل را ناپایدار، برونی و اختصاصی ارایه می دهند بها فسردهی دچرامی شوند. از آنجا که سبک اسنادی با اضطراب و افسردگی رابطه تنگاتنگی دارد و همچنین دانش آموزان ناتوان یادگیری از اضطراب و افسردگی بالاتری برخوردار هستند و در رویارویی با مشکلات توان کمتری در ارتباط با اطرافیان داشته و مهارت اجتماعی و خود ابرازگری کمتری نیز دارند، لذا به تدریج حالت درون گرایی، افسردگی و اضطراب بیشتری را حس می کنند، که این وضعیت به نوبه خود می تواند باعث ایجاد سبک اسنادی بدبینانه تری در زندگی شود. از سوی دیگر گودجانسون^۱ (۱۹۸۴)، بر این باور است که اسناد ناخوشایند و ناپسند به عوامل بیرونی، سبب کاهش احساس گناه نسبت به آن عمل در فرد می شود. هنگامی که علت رفتار به عواملی خارج از کنترل فرد نسبت داده میشود حس مسئولیت پذیری در برابر آن رفتار کاهش می یابد. به نظر میرسد دانش آموزان با ناتوانی یادگیری، رضایت کمتری از زندگی عادی خود و فعالیت مربوط به مدرسه داشته و احساس مثبت کمتری درباره زندگی و تعاملات اجتماعی دارند و نسبت به همتایان عادی احساس داخل و شامل بودن کمتری نشان می دهند، لذا این وضعیت نیز به نوبه خود می تواند باعث ایجاد سبک اسنادی بدبینانه تری در این دانش آموزان شود. در مجموع یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که دانش آموزان با اختلال یادگیری از نظر مسائل روان شناختی، شخصیتی و عاطفی شرایط نگران کننده تری نسبت به دانش آموزان عادی دارا می باشند. مسائل و مشکلاتی که

برای بررسی ارتباط بین سبک های اسنادی و خودپنداره تحصیلی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همانطور که در جدول ۴ مشاهده میشود، ضریب همبستگی سبک های اسناد درونی- بیرونی ۰/۴۷۸، اسناد موقت- پایدار ۰/۴۵۸، اسناد اختصاصی- کلی ۰/۴۴۷ با خودپنداره تحصیلی رابطه معنی داری دارد.

در جدول ۵ خلاصه اطلاعات مربوط به ضرایب تعیین و نسبت های حاصل از تحلیل رگرسیون خودپنداره تحصیلی بر روی سبک های اسناد درونی/ بیرونی، موقت/ پایدار و کلی/ اختصاصی نشان داده شده اند. با توجه به این جدول می توان نتیجه گرفت که سبک های اسناد درونی/ بیرونی به تنهایی حدود ۲۲ درصد، اسناد موقت- پایدار حدود ۲۴ درصد و اسناد اختصاصی- کلی حدود ۲۵ درصد از واریانس خودپنداره تحصیلی را تعیین میکند.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر مقایسه ی سبک های اسنادی و خودپنداره تحصیلی در دانش آموزان با اختلال خواندن و نوشتن و دانش آموزان عادی بود. نتایج پژوهش نشان داد که دانش آموزان دارای اختلال خواندن و نوشتن نسبت به دانش آموزان عادی در مؤلفه های اسناد درونی-بیرونی، موقت/ پایدار و اسناد کلی- اختصاصی نمرات کمتری دارند. به این صورت که این دانش آموزان سبک اسناد بدبینانه تری نسبت به دانش آموزان عادی دارند. این یافته پژوهش حاضر با یافته های مطالعه، عیسی زادگان، میکائیلی منیع و مروئی میلان، (۲۰۱۴)، یونگ (۲۰۰۴)، (به نقل از اشکانی و حیدری، ۲۰۱۴)، جعفری، سلیمانی و اسماعیلی (۲۰۱۱)، نریمانی، سلیمانی و ابوالقاسمی (۲۰۱۲) و نریمانی، سلیمانی و احدی (۲۰۱۰) همخوانی دارد. در توجیه این مسئله می توان گفت که دانش آموزان با ناتوانی یادگیری نسبت به آینده بیمناک ترند، احساس توانایی کمتری در فرو نشانیدن خشم و پرخاشگری خود دارند، دارای نگرش منفی نسبت به خود بوده و سرسختی

-Brunner, M., Keller, U., Dierendonck, C., Reichert, M., Ugen, S., Fischbach, A. & Martin, R. (2010). *The structure of academic self-concepts revisited: The nested Marsh/Shavelson model. Journal of Educational Psychology, 102*(4), 964-981.

-Bridges, K. R. (2001). *Using attributional style to predict academic performance: How does it compare to traditional methods? Personality and individual differences, 31*, 723-773.

-Flanagan, D. P. & Alfonso, V. C. (2011). *Essentials of Specific Learning Disability Identification Paperback (E-book also available).*

-Grassman. H. (2010). *Learning disorder. Handbook of Clinical Child Psychiatry. USA. Newyurk: Wiley.*

-Gans, A. M., Kenny, M. C. & Ghany, D. L. (2003). *Comparing the self-concept of students with and without learning disabilities. Journal of Learning Disabilities, 36*(3), 287-295.

-Isazadegan, A., Micaeli, F. & Meroei-Milan, F. (2014). *The relationship between hope, optimism and meaning of education with academic performance in high school students. Journal of school psychology, 3*(2), 253-266. (Persian)

-Jafary, E., Soleimani, E. & Esmaeili, A. (2011). *Comparing the Attribution style of blind and normal sighted students. Journal of Psychology of Exceptional Individuals, 3*(1), 71-84. (Persian).

-Mahdizadeh, Z., Abolghasemi, A. & narimani, M. (2014). *The role of cognitive process and attribution styles in predict of quality of life in the students with body dysmorphic. Journal of school psychology, 3*(4), 111-127. (Persian).

-Mogasale, V. V., Patil, V. D., Patil, N. M. & Mogasale, V. (2012). *Prevalence of specific learning disabilities among primary school children in a South Indian city. Indian Journal Pediatrics, 79*(3), 342-347.

-Margalit, M. & Zak, I. (1984). *Anxiety and Self-Concept of Learning Disabled Children. Learning Disability, 17* (9), 537-539.

-Narimani, M., Soleymani, E. & Abolghasemi, A. (2012). *A comparison of internal and external dimensions of thinking styles in blind*

این دانش آموزان با آنها دست به گریبان هستند منجر به تشدید یا حفظ اضطراب و آشفتگی های هیجانی در آنها میشود. ایجاد شبکه های حمایت اجتماعی برای این افراد می تواند از استرس آنها کاسته و فرصت بیشتری برای ارتباط قوی و سالم با دیگران مهیا سازد. دادن آموزش های فراشناختی، نگرش خوشبینانه تر و ایجاد توانمندی های لازم برای سرسختی، می تواند موجب ارتقاء سلامت روانی و تقویت سازه های روانشناختی مثل خودپنداره، نگرش و سبک اسنادی مثبت تر به مسائل پیش روی آنها شود. با توجه به نوع جامعه آماری، کمی حجم نمونه، اجرای آن صرفاً در بین دانش آموزان مقطع دبستان، تعمیم یافته های این تحقیق باید با احتیاط صورت گیرد. لذا پیشنهاد می شود این پژوهش در مقاطع تحصیلی دیگر و در نمونه های بیشتری صورت گیرد.

منابع

-نادری، عزت اله و سیف نراقی، مریم. (۱۳۸۲). *اختلالات یادگیری*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

-رجیبی، سوران. (۱۳۹۰). *اثر بخشی نوروفیدبک بر کودکان دارای اختلالات یادگیری استان اردبیل*. رساله دکتری، دانشگاه محقق اردبیلی.

-یاوری، رویا و پاشاپور، نادر. (۱۳۷۹). *بررسی میزان شیوع نارساخوانی در کلاسهای سوم ابتدایی شهر ارومیه*. پژوهش در پزشکی، ۲۴(۱)، ۳-۶.

-کدیور، پروین و کاوسیان، جواد. (۱۳۸۴). *نقش برخی عوامل خانوادگی در خودپنداره خانوادگی دانش آموزان دبیرستانی*. فصلنامه ی رفاه اجتماعی، ۵(۱۹)، ۹۱-۱۱۲.

-Ashkani, F. & Heydar, H. *Effects of emotional adjustment on psychological welfare and attributional styles of students with learning disabilities in primary school. Journal of Learning Disabilities, 4*(1), 6-22. (Persian).

-Bracken, B. A. (2009). *Positive self-concepts. In R. Gilman, E. S. Huebner, & M. J. Furlong (Eds.), Handbook of positive psychology in the schools (89-106). New York, NY: Routledge.*

and sighted students. *Journal of school psychology, 1(1)*, 108-118. (Persian).

-Narimani. M., Soleymani. E & Ahadi. B. (2010). Comparing the attributive styles of blind and seeing boy students. *Tarkia journal of sciences, 8(3)*, 61-64.

-Roongpraiwan, R., Ruangdaraganon, N., Visudhiphan, P., & Santikul, K. (2002). Prevalence and clinical characteristics of dyslexia in primary school students. *Journal of Medical Association Thailand, 85(4)*, 1097-103.

-Siegel, L. S. (2006). Perspectives on dyslexia. *Pediatric Child Health, 11(9)*, 581-587. پ

-Strein, W. (2006). *Self-Concept and Learning Disabilities: The Early Childhood Longitudinal Study Results*. Poster Session Presentation at the Annual Convention of the National Association of School Psychologists Anaheim, March 31.

-Trautwein, U., Lüdtke, O., Köller, O. & Baumert, J. (2006). Self-esteem, academic selfconcept, and achievement: How the learning environment moderates the dynamics of self-concept. *Journal of Personality and Social Psychology, 90(2)*, 334-349.

-Weiner, B. (2005). An attributional theory of achievement motivation and emotion, *Psychological review, 92*, 548- 573.

Quarterly Journal of Educational Psychology

Islamic Azad University Tonekabon Branch

Vol. 3, No. 2, summer 2012, No 10



Journal of Educational
Psychology

The difference between academic self-concept and attribution styles in students with dyslexia and normal students

Fatemeh Akhavaizadegan^{1*}, Sahar Shahri²

1) Department of Psychology, Islamic Azad University Ghazvin Branch, Ghazvin, Iran

2) M.A of Clinical Psychology, Islamic Azad University Tonekabon Branch, Tonekabon, Iran

*Corresponding author: akhavaizadegan63@gmail.com

Abstract

The difference between academic self-concept and attribution styles in students with dyslexia and normal students This study examines the difference between self-concept and attribution styles in students with dyslexia and students are common. The study was causal-comparative. The study population consisted of all elementary school students with dyslexia and ordinary people in Tehran. The sample included 60 students (30 students with learning disorders and 30 normal students) who were selected by simple random sampling. Participants were asked Attribution Style Questionnaire (ASQ) and complete the Beck self-concept scale. Multivariate analysis showed that students with dyslexia, the documents internally and externally, private and academic self-concept global documents with normal students were significantly different (001/0 <P), the results showed that students with dyslexia compared to normal students in components of internal-external documents, temporary / permanent and specific Asnadkly- lower scores. In this way the students more pessimistic attribution style than normal students.

Key words: Documentary style, concept, reading and writing disorder
